



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



عاشورا

محور سازماندهی سیاسی

محمود لطیفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا محور سازماندهی سیاسی

نویسنده:

محمود لطیفی

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ عاشورا محور سازماندهی سیاسی
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ مفهوم حزب و تحزب
۸ طبیعت تحزب و تولی
۱۰ حزب الله و حزب الشیطان
۱۱ تجلی عینی حزب الله
۱۲ نهضت عاشورا یا تشکل فراگیر حزب الله
۱۳ ویژگیهای تشکل عاشورایی
۱۷ امتیازها و آفتها
۱۹ پاورقی
۲۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عاشورا محور سازماندهی سیاسی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۶۴

سرشناسه: لطیفی، محمود

عنوان و نام پدیدآور: عاشورا محور سازماندهی سیاسی / لطیفی، محمود

منشأ مقاله: ، حکومت اسلامی، ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۱۶۷ - ۱۹۴.

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: جامعه اسلامی

توصیفگر: تشکلهای سیاسی - اجتماعی

توصیفگر: احزاب

توصیفگر: ولایت

توصیفگر: تولی و تبری

توصیفگر: عوامل عقیدتی

مقدمه

این نوشتار با مقایسه مفهومی بین تحزب و تولی، تشکل سیاسی در اسلام را «ولاء و تولی» می‌شمرد. و پس از اشاره‌ای سریع به ناکارآمدی احزاب سیاسی، به ارکان تشکیلات ولایی و تجلی آن در دو خط متقابل و متضاد «حزب‌الله» و «حزب الشیطان» می‌پردازد. به اعتقاد نویسنده گرچه در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) حزب‌الله پایه‌گذاری شد و نام و نشان رسمی یافت، اما پس از رحلت پیامبر و در فاصله‌ای کوتاه، از صحنه سیاسی نظام اسلامی بیرون نهاده شد و می‌رفت تا در لابه‌لای صفحات تاریخ به فراموشی سپرده شود که حادثه عاشورا جان تازه‌ای بر آن دمید و آن را دیگر بار به صحنه آورد. وی با اشاره به نه مورد از کار ویژه‌های این تشکل ولایی و امتیازات آن در سایه جاری عاشورا، فهرستی از آفات و نارواییهای احزاب سیاسی وارداتی را با نگاهی دوباره به ناکارآمدی آنها در صحنه سیاسی ایران طرح نموده سخن را به پایان می‌برد. انسان در طول حیات نه‌چندان کوتاه خود گونه‌های متنوعی از مشارکت‌های اجتماعی را متناسب با تحولات فکری و زیستی خود پشت سر نهاده و اندوخته‌هایی بس گرانبها در این زمینه کسب کرده، و دریافته است که مراتبی از کمال و فلاح را جز با حضور در جمع و بهره‌مندی از توانایی‌های جمعی به دست نمی‌آورد و از همین رو نقش مثبت و شاید بی‌بدیل تشکل و تعامل و همگرایی را در دستیابی به اهداف و مقاصد فردی و جمعی نباید و نمی‌تواند انکار نماید. واژه‌ای که در گفتگوهای معاصر عنوان تشکل‌های سیاسی اجتماعی قرار گرفته است کلمه «حزب» است و ما در این مقال با مروری گذرا به مفهوم لغوی و تعاریف اصطلاحی این واژه به بررسی عناوین زیر خواهیم پرداخت: - جایگاه حزب و تحزب در ساختار سیاسی اجتماعی اسلام؛ - حزب‌الله و ارکان و کارکردهای آن؛ - نقش عاشورا در تشکل جامعه اسلامی.

مفهوم حزب و تحزب

حزب در لغت به گروهی از مردم که به گرد هم آمده باشند گفته می‌شود - الطائفة من الناس، جماعة الناس - و در اصل به معنای گرد آمدن و یا مجموعه‌ای به هم پیوسته است - تجمع الشیء و الطائفة من کل شیء حزب - بنابراین به گروهی هم رأی و همراه و یا دسته‌ای از آیات هم سو و هم جهت و یا به قطعه‌ای از زمین که خاک آن فشرده و روی هم انباشته باشد حزب گویند. [۱] و تحزب به معنای تجمع و به هم پیوستن گروهی از انسانهای هم فکر می‌باشد، ضمن اینکه در وزن «تفعل» به مفهوم کارورزی و کوشش برای دستیابی به هماهنگی و هم‌فکری را با خود دارد. [۲]. چه اینکه تحازب و محازبه نیز، معنای تعصب ورزیدن برای همدیگر و تلاش نمودن برای هم‌سالی و هم‌نوایی با یاران در رسیدن به هدف واحد و تمایل و تعاطف به یکدیگر را می‌رساند. [۳] و اما در اصطلاح: در فرهنگنامه‌های سیاسی، دهها تعریف از حزب آمده است که با ملاحظه آنها و به اختصار می‌توان گفت: حزب، شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی است که به هدف کسب قدرت و یا حفظ آن و یا نقش آفرینی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شکل می‌گیرد. منشأ هم‌گرایی آنها، آرمانها، باورها و دیدگاههای مشترک سیاسی اجتماعی است که در ضمن مرامنامه یا اساسنامه نوشته یا نانوشته‌ای به اجرای آن متعهد می‌شوند. [۴] می‌دانیم که توسعه احزاب سیاسی و تأثیر و نفوذ قانونمند آن در ساختار نظام‌های سیاسی همزاد توسعه دموکراسی نوین غرب است و پیش از آن در تاریخ سیاسی و بدون جوامع انسانی نمونه‌های گوناگونی از تشکلهای اجتماعی را می‌توان نام برد که به نحوی در پوشش تعریف فوق بوده و در عصر خود یک حزب سیاسی به شمار می‌آمده و در تأسیس یا تقویت و یا تغییر قدرت سیاسی نقش اساسی داشته است، ولی اصرار نویسندگان غربی بر این است تا آغاز پیدایش احزاب را به اواخر قرن هفدهم میلادی و به تلفیق گروههای پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی و تحول تدریجی و تاریخی انتخابات انگلستان محدود کنند. [۵] روح توحیدی و یکتانگر اسلام با مفهوم لغوی حزب و تحزب به معنای گروهی از انسانهای هم‌فکر و همراه به اعتبار رویکردی که به یگانگی و هماهنگی دارد، موافق است؛ اما اگر لازمه این همگرایی گروهی موجب دسته‌بندی در صفوف به هم پیوسته جامعه و القای گونه‌ای از مرزبندی و تشتت در میان مردم باشد و یا اگر هدف و انگیزه آن تنها تصاحب قدرت سیاسی، تفوق و فزون‌طلبی باشد، آن را نفی نموده و مردود می‌شمرد. وقتی به هنگام معرفی احزاب گفته می‌شود: «در کشورهای نوین، پیکار سیاسی میان سازمانهای کم و بیش تخصصی که نوعی ارتش سیاسی به شمار می‌آیند جریان می‌یابد. این سازمانها گروه‌بندی‌های بنیان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدفهای نیروهای اجتماعی گوناگونی را بیان می‌کنند و خود هم به درستی وسیله کار کرد سیاسی آنان می‌باشند - و بالاخره اینگونه خلاصه شود که: - خصلت تشکل یافته پیکار سیاسی یکی از مشخصات اساسی عصر ماست.» [۶] قطعاً اسلام با چنین مفهومی از حزب و تحزب و با چنین رویکردی به سیاست حزبی در تضاد است زیرا در جامعه اسلامی «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» [۷] هستند و تضاد منافی وجود ندارد و نباید داشته باشد تا طبقات و قشرهای اجتماعی در مقابل هم صف‌آرایی نمایند. چه اینکه همگان باید بدانند: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً فی الارض و لا فساداً: [۸] سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند.» در ساختار سیاسی اسلام قدرت‌طلبی و تفرعن و سرکشی جایگاهی ندارد و اگر چنین زمینه‌هایی بروز نماید باید با اصل چنین رویکردی مقابله نمود نه اینکه به خاطر توجیه و قانونمند نمودن آن به جنگ احزاب متوسل شد. کلمه حزب به معنای لغوی آن در قرآن کریم هم به صورت جمع - و مفهوم تعدد - به کار رفته و هم به صورت مفرد و مصداق واحد آمده است. در یازده مورد با لفظ جمع و در اشاره به باندهای قدرت در برابر اسلام و دین حق به کار برده شده و در هشت مورد با لفظ مفرد - حزب - و یک بار نیز با تعبیر - حزین - آمده است. جالب اینکه در سه مورد با ترکیب مضاف «حزب‌الله» و سه مورد نیز ترکیب مضاف «حزب الشیطان» - یک مورد مضاف به ضمیر (حزبه) می‌باشد. قرآن کریم ابتدا ادیان الهی را به عنوان «امت واحد» در عین تفاوت در شرایع و کارکردها می‌ستاید. آنگاه با نگاهی منفی به دسته‌بندی‌هایی که توسط پیروان این ادیان بر سر تصاحب منافع صورت گرفته است، این تشتت را ناشی از تعصبات ناروای فردی و موجب از هم

گسستن روال طبیعی امور می‌شمرد. قرآن در سوره انبیاء پس از شمارش پیامبران و اشاره به فزاهایی از تاریخ آنان می‌گوید: «انّ هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون و تقطعوا امرهم بینهم کلّ الینا راجعون؛ [۹]. این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید ولی آنان وحدت خود تکه تکه کردند، همه به سوی ما باز می‌گردند.» و در سوره مؤمنون می‌گوید: «و انّ هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون. فتقطعوا امرهم بینهم زبراً کلّ حزب بما لدیهم فرحون؛ [۱۰]. در حقیقت این امت شماست که امتی یکپارچه است و من پروردگار شمایم، پس از من پروا دارید. پس کارشان را میان خود پاره پاره کردند و دسته دسته شدند و هر دسته به آنچه داشتند دل خوش کردند.» در آیه نخست آنان را از تکه تکه شدن بر حذر می‌دارد و در آیه بعد آن را نتیجه تعصب حزبی می‌شمرد. و شاید از همین رو در تمامی یازده موردی که حزب با لفظ جمع - احزاب - آمده است در مقام نکوهش و تقییح و در تضاد با مؤمنان ذکر شده است. می‌توان گفت در ادبیات سیاسی صدر اسلام و تا قرنهای اخیر واژه «ولاء» و «تولی» اجمالاً همان کاربردی را داشته است که امروزه کلمه حزب و تحزب در ادبیات سیاسی دارد. [۱۱] و اگر در فرصتی کوتاه از این منظر نگاه مجددی به واژه ولاء و تولی داشته باشیم در خواهیم یافت عناصری چون: داشتن تشکیلات سازمانی پوشش دهنده، داشتن پایگاه اجتماعی و برخوردار از پشتوانه مردمی و مصمم و پا به رکاب بودن برای کسب قدرت سیاسی که از مؤلفه‌ها و ارکان یک حزب سیاسی است در مفهوم «ولایت» که «در اصطلاح اولی قرآنی یعنی به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحد هستند، در یک راه قدم بر می‌دارند. برای یک مقصود تلاش و حرکت می‌کنند» [۱۲] نهفته است. و راغب اصفهانی می‌گوید: «الولاء و التوالی: ان یحصل شیئان فصاعداً حصولاً لیس بینهما ما لیس منهما و يستعار ذلک للقرب من حیث المكان و من حیث النسبة و من حیث الدین و من حیث الصداقة و النصرة و الاعتقاد؛ [۱۳] ولاء و توالی، در کنار هم قرار گرفتن دو چیز یا بیشتر است، به نحوی که چیزی جز خود آنان در میانشان فاصله نباشد. این کلمه برای نزدیکی مکانی یا نسبت و خویشی و یا دینی و دوستی و همیاری و همفکری در بین افراد به کار می‌رود». یک حزب سیاسی متشکل از تعدادی - دو یا بیشتر - افراد همفکر و صمیمی است که نزدیکی منطقه سکونت یا نزدیکی فامیلی یا دینی و اعتقادی و یا اخلاقی و رفتاری و... آنان را به هم پیوند داده است. البته تبیین کامل این موضوع نیازمند بحثی گسترده و مستقل می‌باشد و تنها برای موضوع مورد نظر به یک نکته اشاره می‌کنیم.

طبیعت تحزب و تولی

واقعیت این است که احزاب شکل تکامل یافته گروههای ذی نفوذ یا باندهای قدرت است که همزمان با تشکیل حکومت‌های پارلمانی چهارچوب تعریف شده به خود گرفت و خود را قانونمند نمود. [۱۴] و کارکرد اصلی احزاب نوعی رقابت نهادینه برای دسترسی به قدرت و سامان دادن به این رقابت‌هاست. داشتن مجوز فعالیت، اساسنامه، آئین‌نامه مدون، آمار و مشخصات اعضا و... گرچه به نام قانونمند نمودن و جهت دادن به این رقابتها و به نحوی به کنترل درآوردن آن است، اما ناگفته پیداست که گردانندگان مقتدر احزاب خود سوداگران ماهری در میدان سیاستند و تا سودی را برای حزب خود احراز نکنند امتیازی نمی‌دهند و چنین محدودیتهایی را نمی‌پذیرند. عناوینی چون: رسمیت داشتن حزب و با نام و نشان بر زبان سیاستمداران جاری شدن و در ردیف دیگر احزاب مقتدر قرار گرفتن و... پیرایه‌هایی هستند که بر شکوه حزب می‌افزاید و اکثریت مردم چنین می‌پندارند: «کثرة المبانی تدل علی کثرة المعانی»، و اینها همه در میدان رقابت نقش آفرین است. آیات ۵۲ و ۵۳ سوره مؤمنون خود محوری و تعصب را همزاد تحزب و زائیده طبیعت آن شمرده و فرایند آن دو خصلت را که رقابت حزبی - لجام گسیخته - [۱۵] است مورد نکوهش قرار می‌دهد و در سوره روم آن را شرک می‌شمرد و اساس همه این خصال ناپسند را هواهای نفسانی می‌داند. [۱۶]. تحزب گرایشی اجتماعی و عقیدتی است که از تار و پود عقلانیت و احساس بافته شده و زمینه‌ساز نوعی وابستگی عاطفی می‌گردد و این

خود تا حدی که موجب گسست از بیگانگان و پابندی به مجموعه خودی و احساس پیوستگی با جامعه و جمع می‌شود ضروری و مهم است، اما گاهی - و در اثر غلبه احساس بر عقل - از این حد فراتر رفته دستورات حزبی به جای اینکه راهنمای راه و نسخه دارو به حساب آید، اصالت یافته، نوعی سلطه همه جانبه فکری، سیاسی، اعتقادی و حتی اخلاقی را به گونه پنهان بر افراد مجموعه ایجاد نموده، راهی که باید به وحدت اجتماعی و مشارکت و همدلی منتهی شود باعث تشمت و تفرقه و تکه‌تکه شدن جامعه می‌گردد. «نظامهای حزبی از یک سو معرف نظام دموکراسی و تبلور جامعه مدنی هستند و از سوی دیگر بنیانهای دموکراسی را در عمل متحول ساخته... از وسیله به هدف تبدیل شده‌اند. وقتی حزب پیروز همزمان قوه مقننه و قوه مجریه را در دست می‌گیرد عملاً اندیشه تفکیک قوا را بی‌معنا می‌سازد. و وقتی بنا به ماهیت فعالیت‌های سازمانی منافع حزب، اهداف و آرمانهای آن بر همه چیز اولویت پیدا می‌کند؛ در واقع اندیشه منافع عمومی یا اراده همگانی به فراموشی سپرده می‌شود.» [۱۷] با نگاهی مجدد به آیات سوره مؤمنون و انبیا می‌توان گفت: اولاً - خط انبیاء الهی خط واحدی است که از بعثت اولین پیامبر تا پایان رسالت آخرین آنها - پایان عالم - در مسیر واحدی حرکت نموده و تفاوت شرایع و تغییر فروع در یگانگی این خط سیر خدشه وارد نمی‌کند. و ثانیاً تقابل و تضادی که در تاریخ بین پیروان پیامبران ایجاد شده ناشی از انحرافی درون سازمانی است که اعضای امت واحده در اثر تبعیت از هواهای نفسانی خود این حزب واحد را تکه‌تکه نموده و بی‌اعتنا به رنج جانکاه این بدن زنده تکه پاره شده هر یک به پای حصه خود شادمانی می‌کنند. حاصل این نگاه آن است که اگر تعداد احزاب و رقابت‌های آنان و تکیه و تأکید بر دیدگاه‌های حزبی در حد تفاوت سلیقه‌ها و برای شکوفایی استعدادها به تناسب تفاوت شرایط زمانی و مکانی باشد و اینها همه تجلیات متفاوت یک حقیقت باشد، نه تنها منعی ندارد که ضرورت حیات و لازمه حرکت است. ولی اگر این تعدد و تعصب منجر به تکه‌تکه شدن جامعه یک‌دست و یک‌دل و صرف توانایی‌ها در مسیر پیکار بر سر تقسیم قدرت و معامله بر سر تعادل بین سورها و سرمایه‌ها باشد، - جز شادمانی کودکانه یا سفیهانه بر سر مرداری بی‌روح نیست. بر خلاف مفهوم حزب و تحزب که در آن نوعی رقابت و تفرقه نهفته است، مفهوم ولاء و تولی همراه هماهنگی و همدلی در عین استقلال است به نحوی که انسان به دلخواه خود در یک سازمان متشکل جایگاه خود را می‌یابد. با مروری بر آیات ۵۱ تا ۵۸ سوره مائده که در واقع مبانی تأسیس یک تشکل سیاسی الهی را بنیان می‌نهد؛ بخشی از ارکان و مؤلفه‌ها و کارکردهای یک تشکل را می‌توان ملاحظه نمود. یکم: ولاء و تولی مهم‌ترین رکن تشکل - تحزب - در فرهنگ سیاسی اسلام است بلکه باید گفت تولی همان تحزب است - و من يتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون - یعنی کسی که ولایت الهی و... را پذیرفته باشد در تشکیلات حزب الهی جای گرفته است و چنین حزبی پیروز است. دوم: تحزب در اصطلاح سیاسی، همراهی و همدلی و پایه‌ی یکدیگر حرکت کردن است و همین خود اولین رکن در تحقق ولایت است و در این فرقی بین اعضای اصلی، کادر مرکزی و رهبری تشکیلات و حتی هواداران آن نیست. به عبارت دیگر، در تشکل ولایی هر یک از وابستگان به این تشکل موظف به رعایت حال و استقلال دیگر اعضای مجموعه می‌باشند. سوم: از دیگر مفاهیم ولایت که ملازم و یا لازمه نکته قبل است وجود یک نحوه تعهد متقابل بین تمامی اعضا با یکدیگر و نیز تعهد متقابل بین اصل تشکل و یکایک اعضا است - این دو نکته از مفهوم لغوی ولی استفاده می‌شود. چهارم: تحزب و همگرایی - تولی - در پیروزی سیاسی نقش اساسی دارد. البته پیروزی واقعی که موجب رستگاری نیز هست تنها در تحزب و تولی به ولایت الهی تحقق می‌یابد. بنابراین بدون تشکل هیچ گونه پیروزی میسر نخواهد بود: فان حزب الله هم الغالبون، هم المفلحون. [۱۸] پنجم: مبنای تولی - تشکل ولایی - احساس مودت و محبت متقابل است؛ محبتی که اعضا را در برابر هر نوع مشکل و مانع مقاوم می‌کند و آنان را نسبت به خودی مهربان و متواضع و نسبت به بیگانه نفوذ ناپذیر می‌نماید تا برای تحقق اهداف تشکیلات از هیچ تلاشی دریغ نورزند: «يحبهم و يحبونه اذلمة على المؤمنين اعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم؛ خداوند آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست دارند. اینان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش

هیچ ملامتگری نمی‌هراسند». ششم: رابطه ولایی یک وابستگی و رابطه یک‌طرفه و تنها اعتقادی و نظری نیست، انسان بر اساس وابستگی که پیدا می‌کند سبک زندگی خود را با آن قالب تطبیق می‌دهد، او نمی‌تواند از یک سو مدعی ارتباط یک تشکیلات باشد و از سوی دیگر با رقبای آن نیز رابطه تشکیلاتی داشته باشد. و یا در برابر هجوم به سیاست‌های تشکیلات خود بی‌تفاوت باشد. به عبارت دیگر انسان در اثر وابستگی تشکیلاتی منافع و شخصیت و بلکه موجودیت خود را با منافع و موجودیت تشکیلات هم‌سو و متحد می‌بیند و هر کسی که از منافع و شخصیت خود دفاع نکند بیمار و نیازمند درمان و یا جراحی است: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً ولعباً من الذین اتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء...؛ ای مؤمنان، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند چه از آنان که قبل از شما به آنان کتاب - آسمانی - داده شده و چه از کافران، ولی خود مگیرید...» و در سوره مجادله: «لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا ابناءهم او ابناءهم...؛ گروهی که به خدا و پیامبر و روز بازپسین مؤمنند، دوستدار مخالفان خدا و رسول نخواهی یافت. حتی اگر - آن مخالفان - پدران و فرزندان و... آنان باشند». و در سوره مائده: «فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم...؛ می‌بینی کسانی که بیمار دلند در دوستی با آنان می‌شتابند». هفتم: آخرین و مهم‌ترین نکته اینکه رهبری در تشکل‌های انسانی همانند مهندسی زبردست و معماری ماهر است که از مصالح بر روی هم انباشته و از هم گسسته، ساختمانی مقاوم و زیبا و سودمند و در جهت دستیابی به اهداف و مقاصد مورد نظر می‌سازد.

حزب الله و حزب الشیطان

محور تشکل و همگرایی انسانها فقط خداوند و تولی به ولایت او و کسانی که در پوشش ولایت او هستند می‌باشد و جز او هیچ کس دیگری نمی‌تواند تشکل‌های پایدار و ماندگار انسانی را سامان دهد، زیرا او بی‌نیاز است ولی دیگران می‌خواهند تا از توان اجتماعی بهره‌برند و اجتماعات بشری را وسیله قدرت و اقتدار خود نمایند و احساسات و علایق توده‌ها و مشارکت مدنی آنها را نردبان ترقی خود قرار دهند و رأی و امضای مردم را سند مشروعیت یک سلیقه حزبی با یک باور شخصی قلمداد کنند. اسلام به همان شدت که اصرار دارد همه انسانها بر محور ولایت الهی همبستگی - تولی - داشته باشند، به همان شدت و بلکه شدیدتر از آن از وابستگی روحی و فکری و رفتاری به جاذبه‌های غیر الهی و از تولی اربابان غیر الهی پرهیز می‌دهد و هر نوع وابستگی و هواداری را نوعی شرک می‌شمارد. ملاحظه خط سیری که در آیات ذیل برای مؤمنان ترسیم می‌شود تأکید بر این سخن است. قرآن کریم در آغاز همه زنان و مردان مؤمن را ولی همدیگر می‌خواند: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض...» [۱۹] و نیز مؤمنانی که هجرت کرده و در جهاد شرکت کرده‌اند و هم‌چنین آنان که به مسلمانان مأوا داده و آنان را یاری کرده‌اند، همه را ولی هم می‌خواند: «ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا... و الذین آووا و نصرؤا اولئک بعضهم اولیاء بعض...» [۲۰] و سپس می‌فرماید: «و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون». و آنگاه با تأکید می‌فرماید: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا». با توجه به این نکته که ولایت مؤمنان و پیامبر و خداوند در طول یکدیگر و از هم انفکاک‌ناپذیر است و تقابلی با هم ندارند و هیچ‌گونه زمینه‌تشتت و تفرقه راه ندارد؛ چه اینکه می‌فرماید: «ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا - و در آخر - و الله ولی المؤمنین؛ [۲۱]. در حقیقت نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که پیرو اویند و نیز این پیامبر و کسانی که به آئین او ایمان آورده‌اند و خدا ولی مؤمنان است.» و بالاخره: «ان ولی الله الذی نزل الكتاب و هو یتولی الصالحین؛ [۲۲] در حقیقت ولی من خداوندی است که قرآن را نازل کرده و همو ولی صالحان نیز هست». در خط مقابل نیز در آغاز بدنبال ولایت مهاجرین و انصار می‌فرماید: «و الذین آمنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولایتهم من شیء حتی یهاجروا...» [۲۳]. آنان که ایمان آورده‌اند ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ‌گونه رابطه ولایی بین شما و آنان نیست مگر اینکه مهاجرت کنند...» و در یک مرحله گسترده‌تر

می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان و من یتولهم منکم فاولئک هم الظالمون»؛ [۲۴]. ای مؤمنان اگر پدران و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دادند با آنان همیاری نکنید و هر که از میان شما تولای آنان را داشته باشد او از ستمکاران است». و سپس همراه با معیار می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدویکم اولیاء»؛ [۲۵]. ای مؤمنان دشمنان مرا و خودتان را ولیّ بر نگزینید». و آنگاه می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین...»؛ [۲۶]. ای مؤمنان به جای مؤمنان با کافران رابطه ولایی برقرار نکنید...». چرا که: «و ان الظالمین بعضهم اولیاء بعض و الله ولیّ المتقین»؛ [۲۷]. در حقیقت ستمگران با یکدیگر همراهند و بر یکدیگر ولایت دارند و خداوند ولیّ پرهیزکاران است». و نیز: «و الذین کفروا بعضهم اولیاء بعض، الاّ تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر»؛ [۲۸]. و کافران ولیّ یکدیگرند - شما ولیّ آنان نیستید - اگر - این ملاک را رعایت - نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید آید». و هم چنین: «و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات...»؛ [۲۹] و در آخر: «...انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون انهم مهتدون»؛ [۳۰]. آنان - گمراهان - شیاطین را ولیّ خود برگزیدند و خیال می‌کنند راه درستی یافته‌اند». و شکی نیست که: «و من یتخذ الشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً»؛ [۳۱]. هر که شیطان را به جای خداوند ولیّ برگزیند به زیان آشکاری دچار شده است». با مروی بر این دو خط سیر می‌توان خطوط سیاسی و جبهه‌ها را از هم بازشناخت. گروهی پا به پای خدا و رسول او و مؤمنان نمونه‌ای که همواره در عبادت خدا و خدمت به خلقند و: رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون؛ [۳۲]. خدای از آنان خشنود و آنان نیز از خدا راضی هستند، هم آنان حزب الله هستند و تنها حزب الله رستگارانند». و گروهی دیگر همراهی با ستمگران و کافران و مدعیان فرهنگ و تمدن [۳۳] را دورانیشی خردمندانه پنداشته و خود را چیزی انگاشته‌اند: «...یحسبون انهم علی شیء الا انهم هم الکاذبون. استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون»؛ [۳۴]. آنان که با بیگانگان رابطه برقرار کرده‌اند - چنان پندارند که حق به جانب آنهاست آگاه باش که آنان همان دروغگویانند. شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است. آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند».

تجلی عینی حزب الله

از حضرت امام خمینی پرسیدند: ممکن است معنی و مفهوم حزب الله را برای ما تشریح کنید. و حضرت امام فرمود: «هر مسلمانی که موازین و اصول اسلام را پذیرفته است و در اعمال و رفتار از انضباط دقیق شیعی برخوردار است یک عضو از اعضای حزب الله است و تمامی دستورات این حزب و خط مشی آن را قرآن و اسلام بیان کرده است. این حزب غیر از حزبهای متداول امروز دنیاست. امروز تمام مردم ایران - در هر سنی که هستند - از زن و مرد که با شعارهای اسلامی مبارزه می‌کنند جزء حزب الله هستند.» و سپس در پاسخ این سؤال که: ممکن است معنای دقیق امام را تشریح کنید... رابطه امام با حزب الله چیست؟ می‌فرماید: امام به معنای پیشوا و کسی که جمعی را در جهتی هدایت و رهبری می‌کند و امام بیان کننده خط مشی شیعه و حزب الله و رهبری کننده این تشکیلات بزرگ و فراگیر است که تمامی وظائف آنان را از قرآن و سنت پیامبر اسلام در زمانهای مختلف و شرایط مختلف اجتهاد و استنباط می‌کند و به آنان ابلاغ می‌نماید.» [۳۵]. در تفاسیر شیعی و بسیاری از تفاسیر و کتب حدیثی اهل سنت در مورد شأن نزول دو آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده حدیثی به این مضمون آمده است که حضرت امیرالمؤمنین در مسجد پیامبر مشغول نماز نافله بود. نیازمندی آمد و اظهار حاجت نمود و حضرت امیر در حال رکوع انگشتی خود را به او داد. آن نیازمند نزد پیامبر آمد و واقعه را به او عرض کرد و در آن حال این آیه نازل شد: «اتّما ولّیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون و من یتولّ الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون»؛ [۳۶]. ولیّ شما تنها خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که اقامه نماز می‌کنند و زکات می‌دهند در حالی که در رکوع هستند و هر که خدا و رسول او و مؤمنان را به ولایت برگزیند - او از حزب الله

است - و در حقیقت فقط حزب الله پیروزند». و باز نقل کرده‌اند جابر بن عبدالله می گوید: «کنا عند النبی (ص) فاقبل علیّ فقال النبی (ص): والذی نفسی بیده انّ هذا و شیعتہ هم الفائزون یوم القیامۃ و نزلت: انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریۃ، فکان اصحاب النبی (ص) اذا اقبل علیّ قالوا: جاء خیر البریۃ؛ [۳۷]. نزد پیامبر نشسته بودیم که علی آمد، پیامبر فرمود: به کسی که جانم به دست اوست سوگند که این شخص و شیعیان او رستگاران روز قیامتند - و در همان مجلس - این آیه نازل شد که: آنان که ایمان آورده و کار نیک انجام داده‌اند. همانان بهترین مخلوقانند. و از آن به بعد هر گاه علی (ع) وارد مجلس می شد، مجلسیان می گفتند: بهترین مخلوقات وارد شد». و مرحوم مظفر از کتاب غایۃ المرام نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: «یدخل من امتی الجنۃ سبعون الفاً لا - حساب علیهم ثم التفت الی علیّ (ع) فقال: هم شیعتک و انت امامهم؛ [۳۸]. هفتاد هزار نفر از امتم بی حساب وارد بهشت می شوند. سپس رو به علی (ع) کرد و فرمود: همه آنان شیعیان تو و تو رهبر آنان هستی». و از کتاب خطط الشام نقل کرده است: گروهی از بزرگان صحابه در زمان رسول خدا به ولایت و دوستی نسبت به علی معروف بوده‌اند. مانند: سلمان فارسی که می گفت: با رسول خدا بیعت کردیم مبنی بر اینکه از نصیحت و ارشاد مسلمین دریغ نورزیم و پیرو و دوستدار علی بن ابی طالب باشیم. و ابو سعید خدری که می گفت: مردم به پنج امر موظف گشتند اما به چهار امر عمل کردند و یک امر را ترک کردند - آنگاه چهار امر را نماز و روزه و زکات و حج، و امر متروک را ولایت حضرت امیرالمؤمنین می شمرد - و ابی ذر غفاری و عمار بن یاسر و حذیفه بن یمان و ذوالشهادتین خزیمه بن ثابت و ابویوب انصاری و خالد بن سعید بن عاص و قیس بن سعد بن عباده که همگی به ولایت و تشیع علی (ع) نامور و معروف بوده‌اند. [۳۹] به نظر می رسد اینان به جز قیس بن سعد همان کسانی هستند که همراه با تعدادی دیگر چون ابوالهیثم بن تیهان، مقداد بن اسوه، بریده اسلمی، ابی بن کعب، سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف در جریان سقیفه به نفع حضرت امیرالمؤمنین سخنرانی کردند. [۴۰] متأسفانه پس از آن همه تأکیدات قرآن کریم و تبیین و تأکید پیامبر گرامی اسلام ساختار سیاسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر به سمتی هدایت شد که در فاصله‌ای کوتاه ابوسفیان - سرکرده حزب شیطان در ۲۳ سال دوره بعثت - در یک جمع خانوادگی در همان ساعت اولیه خلافت عثمان پایان تشکل دینی حزب الله و بازگشت خط جاهلیت و تشکل قومی عربی و ارتداد را با این سخنان رسماً اعلام نمود: «یا بنی امیه تلقفوها تلقف الکرۃ، فوالذی یحلف به ابوسفیان ما من عذاب و لا حساب و لا جنۃ و لا نار و لا بعث و لا قیامۃ؛ [۴۱]. ای بنی امیه آن را همانند توپ به یکدیگر پاس دهید. سوگند به کسی که ابوسفیان همواره به او سوگند می خورد! نه کفری و نه حسابی و نه بهشتی و نه آتشی و نه برانگیخته شدن و نه قیامتی است». البته گرچه در این مرحله خلیفه رسمی حزب حاکم او را نهیب داد و از مجلس بیرون کرد و او هم بلافاصله بر سر قبر حمزه سیدالشهدا - از پیشاهنگان تشکل حزب الله - رفت و پای بر زمین کوبید و گفت: برخیز و بین که آنچه برای او با هم جنگیدیم به دست آوردیم. اما طولی نکشید که خلیفه دیگری از همین تیره حزب شیطان رسماً گفت: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل؛ بنی هاشم با حکومت و قدرت بازی کردند و گرنه نه خبری از آسمان آمده بود و نه وحی بر کسی نازل شده بود». و با کمال تأسف اینها همه در حضور کسانی انجام می گرفت که بارها و در تعبیر گوناگون شنیده بودند که پیامبر گرامی (ص) بنی امیه را شجره ملعونه نامیده است. [۴۲] حزب شیطان که با نام خلافت پیامبر و با نشان اسلام آمده بود چنان جایگاهی در جامعه یافته بود که حضرت امیرالمؤمنین با همه تلاش و کوششی که به کار برد نتوانست حاکمیت حزب الله را به صحنه سیاسی جامعه باز گرداند و طولی نکشید که حزب شیطان با دروغ و فریب به نام «حزب واحد فراگیر» [۴۳] حزب الله را از رسمیت انداخت و آن را در جامعه اسلامی غیر قانونی اعلام نمود. [۴۴] و: «امر بحرمان کلّ من عرف منه موالاته علیّ من العطاء و اسقاطه من الدیوان و التتکیل به و هدم داره؛ [۴۵]. فرمان داد هر کس را که ولایت علی را داشت از حقوق اعطایی حکومت محروم نموده، نامش را از دفتر حذف کنند و او را زجر داده خانه اش ویران کنند» و سالها بدون هیچ مزاحم و منازعی یکه تاز میدان بود.

قیام عاشورا پیکره رو به مرگ جامعه آفت‌زده را جراحی کرد و خواب سنگین غفلت و رکود را برآشفته و فروغ‌هایی از اسلام ناب را بر جامعه تابانید تا در امتداد آن سیمای ایمان از سیمای کفر و نفاق بازشناخته شده، بستری برای رشد و انتقال باورهای اصیل دین در توالی نسل‌ها فراهم گردد. خط سرخ خون شهید بر حقانیت حزب‌الله مظلوم شهادت داد و بسیاری از گم‌گشتگان وادی تردید و دودلی را بیدار نمود و اشک گرم محبت و ولایت بر چشمان متحیرشان جاری ساخت و از فردای روز عاشورا مجالس یادبود و ذکر مصائب کربلا-شکل گرفت: «در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن نقل از منابع وحی، به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت هست و برای این اشک‌ها آنقدر، در حول و بر این اشک‌ها و عزاداری‌ها. شیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت‌ها، و در طول تاریخ، این مجالس عزاداری یک سازماندهی سرتاسری کشورها هست.» [۴۶] نخستین کسانی که با موانع جنگیدند و میدان نفوذ حادثه کربلا را به مقدار زیادی گسترش دادند خود اهل بیت بودند. کمترین وسیله و ساده‌ترین راه برای زنده نگهداشتن خاطره کربلا و نام حسین بن علی (ع) دو چیز است: - یکی تشویق به زیارت قبر امام حسین (ع) - و دیگر گریه برای مصائب آن حضرت. [۴۷] و از آن روز ذکر نام حسین (ع) و حدیث کربلا و او شعار اتحاد و همبستگی و سرود همگرایی و تشکل گردید و مظلومان بی پناه و مستضعفان بی نام و نشان را در خانه‌ها و حسینیه‌ها و مساجد به تشکل فرا خواند و در محرم‌های مکرر کینه مقدس مبارزه با ظلم و انتقاد از ظالم را در دل ستمدیدگان ریشه‌دارتر نمود و عواطف بشری را در تقویت مبانی اعتقادی و عقلانی به هم پیوند داد و پس از سه قرن - و در ۳۵۲ هجری قمری - بازار بغداد را به تعطیلی کشاند و هیئت‌های عزاداری را به یک راهپیمایی آرام جهت نمایش قدرت این تشکل الهی دعوت کرد و از آن پس تشکل حزب‌الله با یاد و نام عاشورا جاودانه شد و روز به روز هماهنگ با خاطره عاشورا و محرم زمین و زمان را درنوردید و: «مگر نه آن است که دستور آموزنده کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و هر سرزمین. عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سر لوحه زندگی امت در هر روز و هر سرزمین باشد.» [۴۸] این بار حزب‌الله تصمیم گرفته بود تا نگذارد بار دیگر احزاب همدست شجره ملعونه - حزب شیطان - حادثه کربلا را همچون واقعه شکوهمند غدیر و غروب غمگین و نابهنگام بانوی بهشتی سانسور خبری کنند و با تفسیر دلخواه خود ولایت تامه را به معنای محبت و شراره آتش کینه جاهلی را که از در خانه اهل بیت زبانه می‌کشید یک بلوف سیاسی برای حفظ امنیت امت! قلمداد کنند. او با تمام توانی که داشت پرچم سرخ کربلا را بر می‌افراشت و بر پای آن بر سر و سینه می‌زد و اشک می‌ریخت، اما: «شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا! نه سیدالشهدا! احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن بر می‌آید، لیکن این مجلس‌ها مردم را همچو مجتمع میکنند و یک وجهه می‌دهند. سی میلیون و سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا یک وجهه، طرف یک راه می‌روند. بیخود بعضی از ائمه ما نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند...مسأله مسأله گریه نیست...مسأله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند.» [۴۹].

ویژگیهای تشکل عاشورایی

متأسفانه بسیاری از پژوهشگران گذشته و معاصر که با عینک غرب به تحلیل سیاسی و جامعه‌شناسی جوامع اسلامی و به ویژه ایران می‌پردازند و عوامل ناکارآمدی احزاب را در این کشورها ریشه‌یابی می‌کنند، بدون توجه به تفاوت‌های اساسی فرهنگی و اعتقادی

و روحی جوامع اسلامی با جوامع غربی و غیر اسلامی، تلاش می‌کنند تا الگوهای جامعه شناختی آن سامان را بر جامعه اسلامی تطبیق داده و روند ظهور و افول و پایداری و ناپایداری احزاب را در کشور، و دیگر کشورهای اسلامی با شاخصه‌های دیکته شده غربی بسنجند. غافل از اینکه در نظام اسلامی نمازهای جماعت و جمعه و عید و هیئت‌های عزاداری حسینی بدون هیچ محدودیت سنی و جنسی برای هواداران، کودکان تازه پا و پیران از پای افتاده را در کنار اندیشمندان متخصص و به همراه پابرهنگان پینه بر دست و... یک آموزش سیاسی - تربیتی می‌دهد و همراه با آهنگ دلنشینی ذاکر حسینی سرود رهایی می‌آموزد و در قیام و قعود هماهنگ نمازگزاران، و ضربه‌های آهنگین سینه زنان، اراده‌های متفرق آنان را در مسیر حرکت و حیات همساز و هماهنگ می‌نماید. البته در این اواخر و پس از مشاهده ناکامی‌های تمامی احزاب و تشکل‌های سیاسی که تاکنون در کشور اسلامی ما و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز پس از شکست احزاب صددرصد مستقل از گرایشهای غیردینی و غیر ملی، گویا بعضی از تحلیل‌گران مسائل حزبی به این نکته توجه نموده‌اند که چه‌انگیزه حزب را نیاز بشر به اجتماع و مقابله با زمینه‌های تفرق بدانیم و چه برای کسب قدرت و مقام و یا برای هدایت بشر به اهداف متعالی انسانی بشمریم، [۵۰] در هر سه صورت زمینه‌های مشارکت همگانی برای تمرکز بخشیدن به نیروهای پراکنده مردمی در متن معارف دینی و در ابعاد بسیار ژرفتر و گسترده‌تر از آنچه که در غرب با توسعه فرهنگ حزب و یا سندیکاها و انجمن‌ها ایجاد شده و یا می‌شود، وجود دارد. اینکه بعضی نوشته‌اند: «در فرهنگ دینی ما نهادهای دینی همچون مساجد، روحانیت و... وجود دارد و آنان شبیه به حزب عمل می‌کند و در مواردی حتی بهتر از حزب عمل می‌کنند. حال چه این نهادهای دینی را حزب بنامیم یا نام دیگری بر آن نهیم». [۵۱] این نکته بسیار امیدوار کننده و قابل تحسین است، مشروط بر آنکه تحلیلگران دیگر همین موضوع را از منظر یک آسیب در روند تحقق احزاب ننگرند و این سخن که: «مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، نمازهای جمعه و جماعت و سایر نهادهای سنتی که به نوعی برخی کار ویژه‌های حزبی را ایفا می‌کنند ضرورت فعالیت‌های حزبی را کمرنگ ساخته‌اند» [۵۲] احزاب را به چالش با این نهادها فرانخواند. ما امیدواریم با توجه به عنایتی که پژوهشگران ما بایستی از سالها پیش به این موضوع می‌داشتند و هنوز فرصت باقی است با طرح تئوریک و تبیین ابعاد علمی آن همگامی خود را با فرهنگ ملی جامعه خود بیش از پیش تقویت بخشند. در این قسمت برخی از ویژگیها و مؤلفه‌ها و کارکردهای این تشکل فراگیر را از منظر یک حزب زنده و پویا و نقش آفرین در تحولات سیاسی و ساختار حکومتی با استناد به دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) که به حق حادثه عاشورا را نه سوگنامه ستم‌دیدگان که سرود ستم سوز مستضعفان خواند، مرور می‌کنیم. ۱. از کار ویژه‌های مهم احزاب شکل دادن به افکار عمومی در جهت تأثیرگذاری بر ساختار حکومت و کسب قدرت سیاسی است. انسجام بخشی به منافع و خواسته‌ها و شعارهای گروههای اجتماعی و افکار عمومی و انتقال آنها در جهت اصلاح نظام سیاسی بخشی از فلسفه وجودی تشکل‌های اسلامی است: «تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمعند. [۵۳] اگر دولت‌های دیگر بخواهند یک هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست برایشان، با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست، ما را سیدالشهدا اینطور هماهنگ کرد. [۵۴] مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است هر چه با شکوهرتر و فشرده‌تر بر پا شود.» [۵۵] ۲. از دیگر مؤلفه‌های یک حزب ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی استعدادها، توسعه سیاسی، رشد فرهنگ اجتماعی، بروز خلاقیت‌ها، تعدیل و تنظیم گرایش‌های متفاوت جامعه است. در این زمینه هیئات حسینی در محلات و مناطق شهری و روستایی در اثر مراسمی که بر پا می‌کنند بیشترین تأثیر فرهنگی را بر محیط و فضای منطقه گذاشته و در کنار طرح شعائر و شعارهای خود به اندیشه‌های نو و فعال جهت می‌دهند. «بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسأله، مسأله ملت گریه است. این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید ملت گریه. آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند برای اینکه

گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند مقابل ظالم هستند، قیام کرده‌اند، اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ما است که باید حفظ شود، اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. [۵۶] این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. [۵۷]. ۳. اطلاع‌رسانی و آموزش نظری و عملی توده‌ها و فراهم نمودن زمینه شکوفایی استعدادها به منظور مشارکت عمومی و توسعه نظام سیاسی، و به عبارتی کوتاه و مختصر: آموزش سیاسی جامعه از کار ویژه‌های اصلی احزاب سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نیز تربیت و رشد نیروهای کارآمد برای توسعه نظام سیاسی به این وظیفه بیش از وظایف دیگر می‌پردازد و باید گفت از ثمرات بزرگ هیأت حسینی آموزش سیاسی جامعه اسلامی است: «محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست و این خود سر لوحه تعلیمات اسلام است برای ملت ما تا آخر وهله. [۵۸]. سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان، همان مقداری که فداکاری حضرت، ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین (ع) کمک کرده است. خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند. [۵۹] این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کامل و سایر ادعیه است که می‌سازد این جمعیت را اینطور و اساس را اسلام از اول بنا کرده است.» [۶۰]. ۴. در تحلیل اقدامات عملی و رفتاری انسان باید جایگاه اندیشه و قلب تبیین گردد، کمال انسان در این است که آنچه را می‌فهمد به دل واگذارد تا با دو بال دل و عقل راه را طی کند. عقل به تنهایی حرکت آفرین نیست و احساسات و عواطف و گرایش‌ها نیز بدون هدایت و رهبری عقل سر به بیراهه می‌نهد. در احزاب سیاسی تلاش بسیاری صورت می‌گیرد تا از طریق ایجاد رقابتهای حزبی و تقابل منافع به تحریک احساسات بپردازند و بر توانایی و تحرک اعضا افزوده و سنگرهای جدیدی فتح کنند ولی اساس در شکل ولایی مبتنی بر محبت و عشق و عزم است، رونده دل و قلب است و عقل نظری تنها در حد چراغ راه و راهبر همراه است. «این خون سیدالشهدا است که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. [۶۱] هر مکتبی هیاهو می‌خواهد، باید پایش سینه بزنند. هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود... ما باید برای یک شهیدی که از دستان می‌رود علم به پا کنیم. نوحه‌خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم، دیگران می‌کنند... فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود میتینگ‌ها می‌دهند. فریادها می‌کند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیاء مکتب سیدالشهداء.» [۶۲]. ۵. و باز یکی از کارویژه‌های مهم احزاب و شاخص موفقیت آنها در ایجاد تعادل و ثبات سیاسی و قانونمند نمودن تحركات سیاسی اجتماعی، و از همه مهمتر موفقیت آنها در ایجاد وفاق ملی و همگرایی نیروها، توانایی احزاب در دستیابی به پشتوانه مردمی و بسیج توده‌ها در جهت شعارها و دیدگاههای خود است. ضریب توانایی سیاسی احزاب رابطه مستقیم با این شاخص دارد و باید اقرار نمود که امروزه در میان شیعیان هیچ تشکل سیاسی اجتماعی و حتی دینی در حد مراسم عاشورا از پشتوانه مردمی برخوردار نیست. تشکلی که بیشترین بازدهی فرهنگی سیاسی را بدون تحمیل حتی یک ریال بر بیت‌المال داشته و خود زمینه‌ساز و تأمین کننده بخشی از هزینه‌های فرهنگی در کشور است. «این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می‌شوند. اگر خوب راهش ببریم. ما برای این هماهنگی پیروز هستیم... اگر دولتهای دیگر بخواهند یک هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست برایشان، با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست. ما را سیدالشهداء اینطور هماهنگ کرده...» [۶۳]. ۶. از دیگر کارویژه‌های احزاب

سیاسی انعکاس شفاف دیدگاهها و خواسته‌های مردم و روی‌آوری و روی‌گردانی از برنامه‌های سیاسی اجتماعی و نظارت و قضاوت آنان نسبت به سیاستهای جاری و مدون شدن برنامه‌ها است. در این زمینه هیئات حسینی در محلات و مناطق شهری و روستایی، تشکلهایی برخاسته از باور اعتقادی مردم با تمام ویژگیهای یک تشکل مردمی به معنای واقعی کلمه است. و مساجد و حسینیه‌ها و تکایا میعادگاه و پایگاه بی‌حاجب و دربانی است که از همه اقشار و اصناف بی‌هیچ قید و بندی در آنجا حضور یافته و به عنوان یک شهروند نسبت به هر آنچه در شهر و کشور می‌گذرد اظهار نظر نموده و آخرین تحلیلهای تشکیلات را از زبان مبلغ و ذاکر حسینی می‌شنود و سپس مواضع خود را بی‌هیچ محدودیتی اعلام می‌نماید. «قدرت‌های بزرگ از این چادرها - خیمه‌های عزاداری - می‌ترسند. قدرت‌های بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند. خود به خود ملت را به هم جوشانده است در سراسر کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید. سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد.» [۶۴]. ۷. و باز از وظایف مهم احزاب و آثار مثبت تحزب، ابهام‌زدایی از سیاستهای انحرافی و شناخت چهره‌های خودی و غیر خودی و ایجاد بستر مناسب دشمن‌شناسی و تبری است تا بتواند ضمن حلّ شبهات و گره‌های کور در روند سیاستها، گرایش‌های افراطی یا تفریطی و تک‌روی نیروهای پر جنب و جوش جوان را در جهت منافع ملی هدایت کند و کشور و نظام را از گزند نفوذ دشمنان حفظ نماید. یکی از سیاست‌های بارز و همیشگی هیئات حسینی دشمن‌شناسی در چهره‌های متفاوت و زمان و مکان مختلف است. این تشکیلات همانگونه که تولای خود را در هر عصر با شاخصهای تعیین شده از جانب خداوند تطبیق می‌دهد - معتقد است: «الشیعۀ الذین اذا اختلف الناس عن رسول الله اخذوا بقول علی و اذا اختلف عن علی اخذوا بقول جعفر بن محمد». [۶۵] و امروز باید گفت: تنها اسلام ناب محمدی (ص)، قرائت واقعی و صحیح از اسلام است و بس، همانگونه تبری خود را در هر عصر و زمانی نسبت به چهره‌های متفاوت حزب شیطان ابراز می‌نماید، زیرا می‌داند که هر که یک‌سویه بنگرد از دیگر سو ضربه می‌خورد. شخصی خدمت حضرت امیرالمؤمنین (ع) آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین، ائی احبّک و احبّ فلاناً و سَمی بعض اعداء فقال (ع) امّیا الاین فانت اعور فاما ان تعمی و امّیا ان تبصر»؛ [۶۶]. یا امیرالمؤمنین من شما را دوست دارم و فلانی را نیز دوست دارم - نام یکی از دشمنان حضرت را برد - حضرت امیر فرمود: اکنون تو شخصی دو بین - چپ چشم - هستی! بهتر است یا کور باشی و یا بینا. و این شیوه یک‌سویه‌نگری از سیاستهای حزب اموی بود که: امام صادق (ع) درباره آن فرمود: «ان بنی امیه اطلقوا الناس تعلیم الایمان ولم یطلقوا تعلیم الشرک لکی اذا حملوهم علیه لم یعرفوه؛ [۶۷]. بنی‌امیه راه آموزش ایمان باز نهاده و شناخت شرک را آزاد نگذاشته بودند تا مردم در اثر آگاهی، روش شرک‌آمیز آنان را تشخیص ندهند - و آنگاه که مردم را به شرک فرا خوانند آن را نشانند». و نیز سیره تمامی باندهایی است که از افشای چهره واقعی خود بیم دارند و تا زمانی که نیازمند اقبال مردمند دعوت به نرمش و ملامت می‌کنند تا کسی چنگ بر چهره آنان نکشد و پرده از باطن آنان بر نگیرد. حضرت امام خمینی می‌فرماید: «می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه لعنة الله علیهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد ستم شکن است. [۶۸] امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت. هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد.» [۶۹]. ۸. از دیگر ویژگی‌های اساسی احزاب داشتن سازمان مرکزی رهبری کننده و پایدار و سازمانها و یا هسته‌ها و کمیته‌های منطقه‌ای و محلی، هماهنگی با مرکزیت است تا دچار روزمرگی نشده و قائم به شخص نباشد و با رفتن رهبری، تشکیلات از هم نباشد و در اثر انسجام و هماهنگی بین مراکز منطقه‌ای و محلی با سازمان مرکزی بتواند تصمیمات خود را اعمال نماید. هیئات حسینی ضمن حفظ مرکزیت مساجد

جامع شهر و نمایندگی مرجعیت تقلید و ولایت فقیه، حسینه‌ها و تکیه‌های محلی را هماهنگ با تصمیمات و سیاستهای متخذه در مرکزیت دینی شهر هدایت می‌کنند. اشاره به این معنا در تعریفی که حضرت امام برای حزب‌الله نموده و رابطه او را با امام ذکر کرده بودند گذشت. ۹. از ویژگیهای اولیه و انگیزه اساسی در تشکیل احزاب، تلاش در جهت کسب قدرت سیاسی و مصمم بودن بر احراز مناصب حکومتی و به دست گرفتن مدیریت کلان جامعه است، تحلیلگران سیاسی، فلسفه وجودی احزاب را به عنوان یک روش خردمندانه برای نظارت بر قدرت و تقسیم و تحدید و انتقال سالم آن ارزیابی می‌کنند، در این زمینه هیئات حسینی به تبع از مولا و سرور خود حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهداء سلام‌الله علیهما اصل قدرت را ناقابل‌تر از آب بینی بز و یا لنگه کفش پاره‌ای که برای اصلاح و دوخت مجدد قابلیت ندارد، می‌دانند و می‌گویند: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان و لا التماس شیئی من فضول الحطام؛ [۷۰]. خدایا تو می‌دانی که آنچه از ما - در مورد دستیابی به حکومت و سیاست - سرزد برای مسابقه قدرت و یا دستیابی به ثروت نبود...» اما اگر از راه احراز قدرت و حاکمیت بتوانند به اهداف اساسی خود که تربیت انسانی و کمال روحی و معنوی بشر و بسط قسط و عدالت است دست یابند از هیچ کوششی برای دستیابی به آن دریغ نمی‌ورزند: «اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا این غدیر را آن قدر از آن تجلیل کرده‌اند نه از باب این که حکومت یک مسئله‌ای است، حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می‌گوید: که به قدر این کفش بی‌قیمت هم پیش من نیست - آن که هست اقامه عدل است... زنده نگاه داشتن این عید نه برای این است که چراغانی بشود و قصیده خوانی بشود و مداحی بشود، اینها خوب است، اما مسئله این نیست، مسئله این است که به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست. غدیر در همه اعصار باید باشد. [۷۱] تمام جنگهایی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلیها و وحشی‌ها را وارد کنند در حصار ایمان. قدرت‌طلبی توی کار نبود و لهذا در سیره نبی اکرم و سایر انبیا و اولیای بزرگ، حضرت امیر (ع) در سیره آنها می‌بینیم که اصل قضیه قدرت‌طلبی در کار نبوده و اگر برای ادای وظیفه نبود حتی این خلافت ظاهری را هم قبول نمی‌کردند.» [۷۲] انگیزه‌های هیئات حسینی را در یک کلام باید همان انگیزه‌هایی دانست که در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه به آن اشاره شده است. اما آثار و نتایجی که در طول تاریخ عاید این تشکیلات شده و نیز نقشهایی که امروز به عنوان یک تشکیلات سابقه‌دار و موفق مردمی ایفا نموده و می‌تواند روز به روز تأثیرات گسترده‌تری را در ساختار سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی بر عهده گیرد. نیازمند فرصتی دیگر است. ولی نباید از این نکته غافل شد که با نگاهی به تاریخ هشت سال دفاع مقدس و نیز تشکیلات بسیج مقاومت مناطق و محلات شهرها و روستاها خواهیم دریافت که بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در جبهه و نیز هسته‌های اصلی تشکیلات دهنده نیروهای بسیج را هواداران همین تشکل‌های حسینی تأمین نموده و می‌کنند.

امتیازها و آفت‌ها

در بخش پایانی این نوشتار با مروری گذرا و فهرست‌وار بر آفات و معایب احزاب سیاسی مصطلح و نیز بعضی از عوامل ناکارآمدی این گونه تشکلها در کشورهای اسلامی و به ویژه ایران بر این نکته تأکید می‌نماید که: اگر اندیشمندان و صاحب‌نظران فلسفه سیاسی در جامعه اسلامی با نگاهی برخواسته از نگرش و بینش حضرت امام خمینی و طرح اسلام ناب محمدی (ص) به تشکل‌ها و شعائر اسلامی چون نماز جماعت و جمعه و حج و مراسم ویژه شیعی در محرم و صفر و گردهمایی‌های ماه مبارک رمضان بنگرند، خواهند دید؛ بسیاری از آفات شمارش شده و غیر آنها و نیز ناکارآمدی‌ها و... در تشکل‌های خودی موضوع نداشته و نیازی به تشکیل احزاب سیاسی با قالب‌های وارداتی و عملکردهای ناهماهنگ با فرهنگ دینی و ملی مردم مسلمان و مطلقاً ناموفق نمی‌باشد. الف. در مورد آفات و ناخواستنی‌هایی که در ساختار محتوایی و شکلی احزاب سیاسی وجود دارد سخنها بسیار گفته شده است؛ آفت‌هایی را که ناگزیر می‌نماید می‌توان اینگونه خلاصه نمود: - احزاب با تشکیلات مجهز و منسجم و مجرب خود اعضا را در

خود حلّ نموده و آزادی عمل و اراده را از فرد می‌گیرد و فرد ناچار است از تصمیماتی که در حزب گرفته شده است فرمان برد. - احزاب در مبارزات سیاسی و رقابت‌های حزبی رعایت وحدت ملی را ننموده و اعضای یک جامعه را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهند. - احزاب سیاسی به ناروا همه چیز را با رنگ سیاسی می‌نگرند و بسیاری از مشکلات جامعه در کشاکش رقابت‌های حزبی لا-ینحل می‌نماید و به جای حل مشکلات مردم بر مصائب آنان می‌افزاید. - حزب دشمن دموکراسی است - افزون بر آنچه در صفحه هفت گذشت - وجود احزاب و گروه‌های سیاسی و حمایت‌های آنان از نمایندگان خود از برابری امکانات برای دستیابی به موقعیتهای سیاسی می‌کاهد. - احزاب تنها زمینه مشارکت سیاسی گروه خواص را فراهم می‌نماید و فعالیت سیاسی را برای توده مردم غیر ممکن می‌سازد و یا حداقل با مانع مواجه می‌سازد. بنابراین احزاب سیاسی در مقام عمل نمی‌توانند مشارکت سیاسی همگانی را فراهم سازند. - همانگونه که در پیش اشاره شد تعصب حزبی و التزام به منافع حزب انسان را از تعقل و آزاد اندیشی باز می‌دارد. [۷۳] ب. صدور این حکم که: «ویژگی عام زندگی سیاسی در کشورهای جهان سوم را می‌توان در ضعف یا نبود نهادهای سیاسی و اجتماعی خلاصه کرد» قضاوتی یک‌سویه و یا بدبینانه خواهد بود. و گمان نمی‌رود کسی که نیم‌نگاهی به هیئات حسینی و حسینیه‌ها و تکیه‌ها و مسجدها انداخته باشد این چنین معتقد باشد که «فقدان شعور اجتماعی و سیاسی و نبود انگیزه انسان می‌افزاید». [۷۴] در احادیث اسلامی به نقل از علی بن ابی‌طالب (ع) آمده است که می‌فرمود: من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اَخاً مستفاداً فی الله، او علماً مستطرفاً او آیه محکمۀ او یسمع کلمۀ تدل علی هدی او رحمۀ منتظرۀ او کلمۀ تردۀ عن ردی او یترک ذنباً خشیۀ او حیاء؛ [۷۵]. «هر که به مسجد رفت و آمد نماید یکی از هشت فائده را ببرد: یا دوستی سودمند در راه خدا بیابد، یا دانشی تازه کسب کند، یا دستوری دینی یاد گیرد، یا سخنی راهگشا بشنود و یا به سودی مورد نظر دست یابد، یا سخنی بشنود که او را از خطری برهاند، یا گناهی را از ترس مردم و یا شرم از آنان ترک نماید». و باز در حدیثی دیگر پیامبر (ص) فرمود: «ان سئلت عن من لم یشهد الجماعة فقل لا اعرفه؛ [۷۶]. اگر از تو درباره کسی که در نماز جماعت حاضر نمی‌شود، پرسیدند بگو: من او را نمی‌شناسم». مشکلی که در سده اخیر در زندگی سیاسی اجتماعی مسلمانان پیش آمده است و ریشه در عدم رعایت تولی و تبری - تحزب در حزب خودی و مراقبت از نفوذ احزاب شیطانی - دارد، این است که مدیران و سیاست‌گذاران غرب‌دیده و یا غرب‌زده و وابسته به غرب، اصرار دارند تا زندگی سیاسی مسلمانان را بر گردانی یک‌دست از نمونه غربی سازند و البته هیچ انسان عزیز و با شخصیتی به چنین تقلید چشم‌پسته رضا نمی‌دهد. این است که باید گفت: اساسی‌ترین و مهم‌ترین عامل ناکارآمدی احزاب در نظام اجتماعی مسلمانان ناهماهنگی آن قالبها و بلکه محتواها با محتوا و ساختار فرهنگ دینی و ملی مسلمین است. مسلمانان عادت کرده‌اند تا شعور سیاسی - اجتماعی خود را در تشکلهایی که به تعبیر حضرت امام، اسلام و اولیای دین برای آنان تدارک دیده‌اند متبلور سازند. مؤسسان احزاب سیاسی در آغاز باید نگرش و نیت خود را از رقابت برای قدرت به اتحاد برای خدمت تغییر دهند - که این خود گردنه‌ای سخت و توانفرست: «و ما ادراک مالالعقبه... ثم کان من الذین آمنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه؛ [۷۷] تو چه دانی که آن گردنه سخت چیست؟... از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند». آنگاه با روی آوری به تشکلهای و شعایر خودی از استعدادهای فراوانی که در آنان نهفته است بهره گیرند. همان‌گونه که امام خمینی با متبلور ساختن بخش بسیار ناچیزی از این همه سرمایه‌های گرانبها توانست انقلاب اسلامی را که شگفت‌ترین شیوه انتقال قدرت در تاریخ معاصر بود رقم زند و این درس بزرگی برای ژرف‌اندیشان تاریخ معاصر است اگر نیک بنگرند و در آن بیندیشند: «مجلس عزانه برای این است که گریه بکنند برای سید الشهداء و اجر ببرند. البته این هم هست... بلکه مهم، آن جنبه سیاساست که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهداء در او تأثیر دارد تأثیر بکند... شما می‌بینید که برای همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزایی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می‌آید، در

یک شهر نه، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهداء مجتمع می‌شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهداء سلام الله علیه بیرون می‌آید، همه با هم مجتمع می‌شوند.» [۷۸].

پاورقی

- [۱] کتابهای لغت: مفردات راغب، معجم مقائیس اللغة، لسان العرب، و التحقيق فی کلمات القرآن، ماده حزب.
- [۲] موسوعه النحو و الصرف و الاعراب: ص ۲۶۶.
- [۳] لسان العرب ذیل کلمه: حزب.
- [۴] احزاب سیاسی، ولی الله یوسفیه، صفحات ۳۹ - ۴۱.
- [۵] حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، دکتر احمد نقیب زاده: ص ۳۱، اصول علم سیاست ترجمه ابوالفضل قاضی: ص ۱۶۲ و...
- [۶] اصول علم سیاست، موریس دوورژه، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی: ص ۱۶۱ و صفحات بعد.
- [۷] سوره توبه: ۷۱.
- [۸] سوره قصص: ۸۳.
- [۹] سوره انبیاء: ۹۲ - ۹۳.]
- [۱۰] سوره مؤمنون: ۵۲ - ۵۳.
- [۱۱] به کتاب ولاءها و ولایتها از شهید مطهری، و ولایت از آیه الله خامنه‌ای مراجعه شود.
- [۱۲] ولایت؛ آیه الله سید علی خامنه‌ای، ص ۲۰.
- [۱۳] مفردات غریب القرآن: ص ۵۳۳.
- [۱۴] اصول علم سیاست، ص ۱۶۲.
- [۱۵] در تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۵، ذیل آیه ۵۲ سوره مؤمنون می‌گوید: ثم مضی کل حزب بالمزقه التي خرجت فی یده، مضی فرحاً لا یفکر فی شیء و لا یلتفت الی شیئی! مضی و اغلق الی حسه جمیع المنافذ...
- [۱۶] تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸۲، ذیل آیه ۳۲ از سوره مؤمنون.
- [۱۷] حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز: ص ۱۰ مقدمه.
- [۱۸] پایان آیه ۵۶ سوره مائده و پایان آیه ۲۲ سوره مجادله.
- [۱۹] سوره توبه: ۷۱.
- [۲۰] سوره انفال: ۷۲.
- [۲۱] سوره آل عمران: ۶۸.
- [۲۲] سوره اعراف: ۱۹۶.
- [۲۳] سوره انفال: ۷۲.
- [۲۴] سوره توبه: ۲۳.
- [۲۵] سوره ممتحنه: ۱.
- [۲۶] سوره نساء: ۱۴۴.

- [۲۷] سوره جاثیه: ۱۹.
- [۲۸] سوره انفال: ۷۳.
- [۲۹] سوره بقره: ۲۵۷.
- [۳۰] سوره اعراف: ۳۰.
- [۳۱] سوره نساء: ۱۱۹.
- [۳۲] سوره مجادله: ۲۲.
- [۳۳] در آیه ۵۷ سوره مائده: من الذین اوتوا الكتاب، و در آیات دیگر به نظر می‌رسد غرض قرآن از کاربرد این اصطلاح تنها اشاره به این نیست که یهود و نصاری و... صاحب کتاب آسمانی هستند بلکه آنان خود با اتصاف به این نام در برابر مردم حجاز که امّی - بی‌سواد و بی‌فرهنگ - بود مدعی فرهنگی و تمدن بودند.
- [۳۴] سوره مجادله: ۱۸ - ۲۰.
- [۳۵] صحیفه امام، ج ۵: ص ۴۰۸.
- [۳۶] سوره مائده: ۵۵ - ۵۶، تعدادی از این احادیث را در ذیل همین آیات در جلد ۶ المیزان: ص ۱۵ می‌توانید ملاحظه کنید.
- [۳۷] تفسیر المیزان، ج ۲۰: ص ۱۳۴۱.
- [۳۸] تاریخ شیعه، تألیف مرحوم محمد رضا مظفر، ترجمه سید محمد باقر حجّتی: ص ۳۹.
- [۳۹] همان: ص ۴۲ به نقل از خطط الشام ج ۵: صص ۲۵۱ - ۲۵۶.
- [۴۰] احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۹۸، چاپ نجف.
- [۴۱] شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۹، ص ۵۳.
- [۴۲] تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۷۹، در تفسیر آیه: ۶۰ از سوره اسراء.
- [۴۳] سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۶ و جاحظ در النزاع و التخاصم، ص ۱۲۴ در مورد سال صلح امام حسن نوشته‌اند: فسمی هذا العام عام الجماعة لاجتماع الامه فيه على خليفة واحد.
- [۴۴] تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ص ۳۹، نقل به معنای است.
- [۴۵] شرح ابی‌الحدید به نقل از تاریخ تشیع در ایران، ص ۴۰.
- [۴۶] قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، تیان سوم، ص ۶۸.
- [۴۷] ارزشها از دیدگاه شهید بهشتی - از انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴، ش ۲۸.
- [۴۸] صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۷.
- [۴۹] قیام عاشورا، ص ۶۶.
- [۵۰] با استفاده از کتاب: حزب سیاسی و عملکرد آن، صص ۹ - ۱۲.
- [۵۱] مجموعه سه جلدی تحزب و توسعه سیاسی از انتشارات روزنامه همشهری، ج ۲، ص ۲۰ مقاله رجبعلی اختر شهر.
- [۵۲] همان، ج ۱، ص ۴۷، مقاله دکتر جواد اطاعت.
- [۵۳] قیام عاشورا در...، ص ۸۳، تاریخ سخنرانی، فروردین ۴۲.
- [۵۴] همان: ص ۸۴، تاریخ سخنرانی: ۲۹/۸/۵۸.
- [۵۵] همان: ص ۸۷، تاریخ سخنرانی: ۱/۹/۶۷.
- [۵۶] همان: ص ۷، تاریخ سخنرانی: ۳۰/۷/۵۸.

- [۵۷] همان: ص ۷۴، تاریخ سخنرانی: ۴/۸/۶۰.
- [۵۸] همان: ص ۹۶، تاریخ سخنرانی: ۲/۱۱/۵۶.
- [۵۹] همان: ص ۱۵، تاریخ سخنرانی: ۲۵/۷/۶۱.
- [۶۰] همان: ص ۷۸، تاریخ سخنرانی: ۳۰/۳/۶۱.
- [۶۱] همان: ص ۷۴، تاریخ سخنرانی: ۴/۸/۶۰.
- [۶۲] همان: ص ۷۶، تاریخ سخنرانی: ۱۷/۴/۵۸.
- [۶۳] همان: ص ۸۳، تاریخ سخنرانی: ۲۹/۸/۵۸.
- [۶۴] همان: ص ۱۰، تاریخ سخنرانی: ۳۰/۳/۶۱.
- [۶۵] رجال النجاشی، ص ۹.
- [۶۶] بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸، حدیث ۱۷.
- [۶۷] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۵، حدیث ۱.
- [۶۸] قیام عاشورا، ص ۶۵، از وصیتنامه سیاسی الهی.
- [۶۹] همان: ص ۷، تاریخ سخنرانی: ۳۰/۷/۵۸.
- [۷۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱، وبه همین معنا با تفاوتی در الفاظ در تحف العقول از حضرت امام حسین (ع) در خطبه معروف منا وارد شده است.
- [۷۱] صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲، به تاریخ ۲/۶/۶۵.
- [۷۲] سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی، تبیان دوازدهم - ص ۱۹۵.
- [۷۳] تحزب و توسعه سیاسی، ج ۳، ص ۵۴، برگرفته از مقاله عبدالحسین خسروپناه.
- [۷۴] همان، ج ۱، مقاله دکتر احمد نقیب زاده، ص ۲۴۰.
- [۷۵] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰، ابواب احکام المسجد، باب ۳.
- [۷۶] محجۀ البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۲.
- [۷۷] سوره بلد: ۱۲ و ۱۷.
- [۷۸] قیام عاشورا...، ص ۶۹ و ۸۱، تاریخ ۳۰/۳/۶۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

